

**داعش در ترکمنستان؛ «تهدید» یا «تصور تهدید»؟**

داعش در ترکمنستان؛ «تهدید» یا «تصور تهدید»؟

**داعش در ترکمنستان؛ «تهدید» یا «تصور تهدید»؟**

در ماه های اخیر، بسیاری از ناظران و تحلیل گران مسائل آسیای مرکزی، از احتمال حضور داعش و یا زمینه های ظهور جریان های منتسب به این گروه در ترکمنستان سخن گفته اند. برخی آن را امری محتمل و عده ای نیز بعید دانسته اند. با وجود این، چشم انداز مشترک بیشتر این ناظران، محور قرار دادن اراده این گروه های تروریستی برای حضور یا عدم حضور در این کشور و شدت جذابیت های ترکمنستان برای آن ها است. لیکن، به موضوع ویژگی های اجتماعی و سیاسی جامعه ترکمن ها و مؤلفه های اجتماعی قدرت ملی در این کشور، که با مفروض حضور گروه های افراطی و تروریستی در این منطقه، فراهم آورنده اصلی ترین ابزارهای مقابله با آن ها است، کمتر پرداخته شده است. در متن پیش رو، کوشش شده است با عطف توجه به ویژگی های جامعه و سیاست در ترکمنستان، نسبت میان تهدید حضور و تأثیرگذاری داعش با واقعیت های این کشور مورد ارزیابی قرار گیرد.

دو استان (آخال و مرو) از مجموع پنج استان ترکمنستان، با استان های شمال شرقی (قندوز، بغلان، سرپل، فاریاب و جوزجان) افغانستان هم مرز است. مناطقی از افغانستان که اخیراً، به عنوان مرکز تجمع گروه های تروریستی و افراطی گرا دانسته شده است. علاوه بر آن، تحرکات شبه نظامیان مستقر در این مناطق و وقوع درگیری های محدود میان مرزبانان ترکمن و این گروه ها، زمینه جلب توجه ناظران و گمانه زنی های تحلیل گران را فراهم کرده است. واقع شدن بخش هایی از جغرافیای ترکمنستان در محدوده «ولایت خراسان» که از سوی داعش تعیین شده است نیز، مزید بر علت این توجهات بوده است. در مقابل، رفتار ترکمنستان در ماه های اخیر، مبتنی بر ایجاد تغییرات در کادر فرماندهی و کمیت نیروهای مرزبانی، خرید تسلیحات موشکی جدید از چین، تجهیز مرزهای جنوب شرقی خود با موانع جدید و خرید تجهیزات مربوط به نگهداری و تقویت بنیه تسلیحاتی خود از روسیه، شواهدی دال بر درک تهدید این گروه های تروریستی، از سوی رهبران ترکمنستان بوده است. با این همه، یک پرسش بسیار مهم همچنان بدون پاسخ مانده است و آن این که، جامعه ترکمنستان، با مؤلفه های مذهبی، فرهنگی و قومی-قبیله ای منحصر به فرد خود، تا چه حد ظرفیت پذیرش و یا مقابله با حضور و نفوذ گروه های افراط گرایی همچون داعش را داراست؟

بیشتر ساکنان ترکمنستان اهل سنت و پیرو مکتب فقهی ابوحنیفه هستند. اما جنبه دیگر حیات دینی در میان ترکمن ها، که کمتر بدان پرداخته می شود، پیروی آن ها از مکتب اعتقادی «ماتریدی» است که حامل ویژگی های متفاوتی از گونه های اعتقادی موجود در خاورمیانه و بسیاری از مناطق دیگر جهان اسلام است. این مکتب اعتقادی، بدون این که بسیاری از ترکمن ها خود نیز از آن اطلاعی داشته باشند، حامل نشانه های مشخصی از واقع گرایی، قضاوت های عقلایی و مداراپذیری در جامعه و سیاست ترکمنستان و حتی بخش های مختلف آسیای مرکزی است. ویژگی که در حیات دینی بیشتر مناطق اشغال شده توسط داعش و یا جولان گاه های گروه های افراط گرا و تروریستی، کمتر به چشم می خورد.

جامعه ترکمن ها، هنوز هم قبیله ای است. اما این قبیله گرایی با هویت های قبیله ای که در جوامع خاورمیانه ای شاهد آن هستیم، دارای وجوه افتراق فراوانی است. ترکمن ها، به رغم وجود خطوط مشخصی از تمایزات قبیله ای در جامعه و سیاست خود، از مزیت اجماع پیرامون هویت قومی ترکمنی برخوردار بوده اند. یک فرد ترکمن در قالب یک خانواده، خانواده وی در قالب طایفه و طایفه وی نیز در قالب قبیله شناخته می شود. در کنار آن، تفکیک های درون قبیله ای، معطوف به محدوده های اسکان خانواده ها و طوایف نیز به چشم می خورد. با وجود این، ترکمن ها این تمایزات را به «دعای دو برادر» تعبیر می کنند که در داخل یک خانواده واقع شده و در صورت لزوم و در شرایط مواجهه با خطر تهاجم گروه های غیر ترکمن، به عنوان «یک مشت واحد» عمل خواهد کرد.

نگاهی به پیشینه تاریخی ظهور و گسترش گروه های افراط گرا و تروریستی همچون القاعده و داعش نشان می دهد که این جریان ها، بیشتر در مقاطع زمانی بحران های سیاسی و اجتماعی و یا در سرزمین کشورهای فروپاشیده ظاهر شده و یا گسترش یافته اند. اما در ترکمنستان، فارغ از توجه به کیفیت روندهای دموکراتیک و میزان آزادی های سیاسی و مدنی، ثبات سیاسی و تمکین عمومی نسبت به اقتدار سیاسی و اداری برقرار بوده است. این وضعیت، دستاورد عوامل مختلفی از جمله تبار قبیله ای حاکمان مستقر در این کشور، ثبات نسبی اقتصادی بر اثر اقتصاد رانتیر و دولتی، سیاست خارجی بی طرفی و مصونیت نسبی از مداخله جریان متعارض منطقه ای و بین المللی بوده است. نکته جالب توجه دیگر درباره حیات سیاسی و اجتماعی این کشور، تداوم ثبات سیاسی در نتیجه پذیرش صلاحیت قدرت سیاسی و رضایتمندی نسبی است که در چارچوب «فرهنگ سیاسی قبیله ای» با مولفه های کارآمدی نسبی حکومت و در زمینه ای از عقلانیت ابزاری میسر شده است.

جغرافیای ترکمنستان نیز، شرایط ویژه ای دارد. 90 درصد پهنا ترکمنستان بیابانی است و صحرای قره قوم، خود به تنهایی 80

درصد محدوده سزمینی این کشور را تشکیل می دهد. این ویژگی، که برخی آن را تسهیل کننده حضور و پیشروی داعش دانسته اند، ارائه دهنده تصویری (احتمالی) از پیشروی این گروه ها در خاک ترکمنستان، ولی بدون دستاورد و نتیجه بخشی برجسته ای است و در عین حال، گروه های شبه نظامی را در قالب اهداف متحرکی مجسم خواهد کرد که بدون دغدغه آمیختگی آن ها با افراد غیرنظامی و یا نبردهای پیچیده شهری، قابل مهار و سرکوب خواهد بود. البته، هیچ گاه نمی توان مناطق متمرکز شهری و مسکونی را که در مجاورت مرزهای افغانستان واقع شده و در نخستین خطوط آسیب پذیری هستند، نادیده گرفت.

اما در رابطه با وقایع اخیر و رفتار پرتحرک دولت ترکمنستان، نکته جالب توجه دیگری نیز وجود دارد که معطوف به موضوع تداوم و تغییر در سیاست خارجی انزواگرایانه این کشور است. در سال های پس از 2006 (فوت ناگهانی نیازاف و به قدرت رسیدن بردی محمداف) و در مقاطع مختلف، رفتار سیاست خارجی و تعاملات منطقه ای و بین المللی ترکمنستان، در مسیر خروج از انزواگرایی و گاه حتی مغایر با سیاست بی طرفی پیش رفته است. یک احتمال این است که به رغم انطباق و یا عدم انطباق تهدید داعش و گروه های تروریستی با واقعیت های کشور ترکمنستان، این موضوع فراهم آورنده بستر مناسبی برای تحرک بیشتر سیاست خارجی و نظامی گری (تجهیز، تسلیح و تقویت بنیه نظامی) این کشور بوده است. واقعیت و هدفی که به نظر می رسد، با ایده های رهبری جدید ترکمنستان نیز در مغایرت نیست. بزرگ نمایی تهدید داعش، در فضای سیاست داخلی ترکمنستان نیز، از یک سو باعث اجماع و بسیج سیاسی شده و از سوی دیگر، زمینه حذف کوچک ترین آثار مخالفت و اسلام گرایی (از نوع اسلام سیاسی آن، شاید به عنوان یک بدیل بالقوه و رقیب حاکمان آسیای مرکزی) به دست داده است.

بدین ترتیب، به نظر می رسد آن چه اخیرا درباره احتمال حضور و نفوذ گسترده داعش در ترکمنستان بیان می شود، ابتدا به ساکن، ناشی از تعمیم و یکسان پنداری ویژگی های اجتماعی و سیاسی این کشور با سایر کشورهای آسیای مرکزی من جمله تاجیکستان و ازبکستان است و پس از آن، مبتنی بر فعالیت ها، فضا سازی ها و تحرکات رسانه ای است که در جهت منافع و سیاست های منطقه ای و بین المللی این کشورها و برخی قدرت های بین المللی پی ریزی شده است. ترکمنستان، به رغم اشتراک با سایر کشورهای آسیای مرکزی در میراث داری پیامدهای برنامه ریزی های متمرکز دوران اتحاد شوروی، در عمل، با کشورهایی همچون تاجیکستان و ازبکستان بسیار متفاوت است. این تفاوت ها، همان طور که اشاره نیز شد، ناشی از ویژگی های منحصر به فرد قومی-قبیله ای، فرهنگ سیاسی، حیات دینی، موقعیت ژئوپلیتیکی و ویژگی های متفاوت فرآیند دولت سازی در این سرزمین است.

منبع: ایراس